

# ضرورت تحول نگرش جامعه، مردم و مسوولان نسبت به دانش آموزان استثنایی و تأثیر آن بر تحقق حقوق آنان

مریم قاسمی / دانشجوی دوره دکتری دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه شیراز

## حکیده

امروزه تقریباً در تمام کشورهای جهان، به ویژه در کشورهایی که به توسعه اجتماعی و اقتصادی مطلوب تری دست یافته اند، بخش مهمی از منابع مادی و معنوی، صرف توجه به مسایل کودکان و حمایت روانی و جسمانی از آنان می شود. در این راستا توجه به حقوق کودکان برای تعالی مادی و معنوی نسل آینده روز به روز افزایش یافته است. افزون بر این، توجه به حقوق کودکان استثنایی و معلول از اهمیتی دو چندان برخوردار است، چرا که در این دسته از کودکان، علاوه بر نیازهای کودکان عادی، نیازهای ویژه ای همانند نیازهای آموزشی، نیاز به کسب مهارت های اجتماعی، نیاز به روابط اجتماعی و دستیابی به خدمات اجتماعی وجود دارد. در این زمینه دولت موظف است ضمن حمایت از خانواده های کودکان استثنایی به منظور ایجاد شرایطی که متضمن منزلت و افزایش اعتماد به نفس آنان باشد، حقوق آنها را به مردم معرفی نماید. بدیهی است که به رسمیت شناختن این حقوق از سوی آحاد افراد جامعه و اهتمام آنان به رعایت حقوق مذکور، در گرو شناخت دقیق کودکان استثنایی و حقوق آنان است. زیرا نگرش مردم نسبت به افراد استثنایی، به میزان اطلاعات و شناخت آنها از این دسته از افراد و حتی به داشتن تجربه تماس و تعامل اجتماعی با آنان بستگی دارد. از طرف دیگر تحقق حقوق کودکان استثنایی در هر کشور، مستلزم تلاش همگانی و همیاری است. در این زمینه بکارگیری شیوه های تغییر نگرش مردم نسبت به کودکان استثنایی با همکاری مؤسسه های مختلف اجتماعی، راهکار مؤثری برای توجه به حقوق آنان است. از این گذشته بازنگری، بسط و انطباق حقوق کودکان استثنایی با شرایط موجود نظام آموزشی از سوی قانون گذاران و برنامه ریزان امری ضروری به نظر می رسد.

## کلیدواژه ها:

تغییر نگرش، مهارت های اجتماعی.





## مقدمه

توان بخشی و آموزش و پرورش مناسب محروم هستند. براساس گزارش یونیسف (صندوق کودکان سازمان ملل متحد)، از هر ۱۰ کودک یکی با اختلال جسمی، حسی یا روانی متولد می‌شود و با بعدها به آن مبتلا می‌شود که در طول زندگی به خدمات مراقبتی و تعلیم و تربیت ویژه نیازمند است. (رضایی و پیروی، ۱۳۷۹). همچنین حدود ۱۲ درصد کودکان در سنین مدرسه (بین ۷ تا ۱۸ سال) را افرادی با ویژگی‌ها و نیازهای ویژه تشکیل می‌دهند (دانشکده علوم بهزیستی و توان بخشی، ۱۳۷۹). در کشور ما در مجموع هم اکنون بیش از ۷۰ هزار کودک استثنایی در مقاطع مختلف تحصیلی از آموزش و پرورش ویژه برخوردار هستند (سالنامه آماری سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور ۱۳۷۹). این افراد به منظور به فعل در آوردن توانایی‌های بالقوه خود نیازمند امکاناتی خاص بوده و از این رو به عنوان "کودکان استثنایی" تلقی می‌شوند.

افراد استثنایی به لحاظ قرار داشتن در شرایط زندگی و لزوم برخورداری از مراقبت‌ها و آموزش و پرورش ویژه، باید از حقوق



خاص اجتماعی برخوردار باشند، که این امر برای جبران کاهش فرصت‌های معلولان برای شرکت در زندگی اجتماعی است. بر اساس آخرین توصیف‌های سازمان ملل متحد، معلولیت عبارت است از فقدان یا کاهش فرصت‌ها برای سهم شدن در زندگی اجتماعی در سطحی برابر با دیگران، بر اثر اختلال‌های ذهنی، جسمی یا حسی. بنابراین اعطای حقوقی ویژه به این افراد، امری ضروری است. حقوق معلولان به ویژه حق برخورداری از آموزش و پرورش و تبیین نقش و وظیفه دولت‌ها و ملت‌ها در حمایت از آنان، مانند بسیاری دیگر از مفاهیم حقوق بشر، تنها در دهه‌های اخیر به طور جدی مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفته است (رضایی و پیروی، ۱۳۷۹).

کودکان آسیب پذیرترین قشر اجتماع هستند و بیشتر از سایرین در معرض همه گونه خطرهای اجتماعی قرار دارند. به همین دلیل امروزه تقریباً در تمام کشورهای جهان، به ویژه در کشورهایی که به توسعه اجتماعی و اقتصادی مطلوب تری دست یافته‌اند، بخش مهمی از منابع مادی و معنوی، صرف توجه به مسایل کودکان و حمایت روانی و جسمانی از آنان می‌شود. در این راستا علاوه بر افزایش امکانات بهداشتی، آموزشی، هنری و پرورشی، دامنه حقوق کودک به عنوان موجودی نیازمند حمایت ویژه برای تعالی مادی و معنوی نسل آینده وسعت می‌گیرد. به همین دلیل در کشورهای مختلف برای حفظ و صیانت کودکان و رعایت حقوق آنان، قوانین و مقرراتی که خاص و ویژه کودکان است، توسط قانون گذاران وضع شده است.

منظور از حقوق کودک بحث از حقوقی است که کودک به مناسبت خردسال بودنش دارد و یا از آن محروم است (عبادی، ۱۳۷۱). پیمان جهانی حقوق کودک یک پیمان نامه بین المللی است که برای دفاع و حمایت از حقوق کودکان تهیه شده است.

در سال ۱۹۸۹ نمایندگان کشورهای جهان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، پیمان حقوق کودک را تأیید و امضا نموده و متعهد شدند تا برای تصویب و اجرای آن در کشورهای خود تلاش نمایند و هم اکنون اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان به این پیمان پیوسته‌اند. کشور ما نیز در سال ۱۳۷۲ به صورت مشروط به پیمان جهانی حقوق کودک پیوسته است (یونیسف، ۱۳۷۸) و در همان سال نیز این پیمان نامه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و هم اکنون جزء قوانین داخلی ایران محسوب شده و مفاد آن قابلیت اجرا پیدا کرده است. بخشی از این پیمان نامه (ماده ۲۳) به حقوق کودکان معلول اختصاص داده شده و حقوق پذیرفته شده جهانی آنان را مورد توجه قرار داده است. توجه به آمارهای جهانی، اهمیت این امر را بیش از پیش روشن می‌کند. براساس برآورد سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۰ بیش از ۵۰۰ میلیون نفر در جهان دچار معلولیت هستند و این رقم در آغاز هزاره سوم میلادی با توجه به رشد جمعیت به بیش از ۶۰۰ میلیون نفر بالغ شده است که ۸۰ درصد آنها در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند و اغلب از خدمات

در این میان آگاهی مردم نسبت به حقوق کودکان استثنایی و معلول از اهمیتی دوچندان برخوردار است. چرا که این دسته از کودکان علاوه بر نیازهای کودکان عادی، از نیازهای ویژه‌ای همانند نیازهای آموزشی، نیاز به کسب مهارت‌های اجتماعی، نیاز به دستیابی به خدمات اجتماعی، و نیاز به روابط با دیگران برخوردار هستند (ابراهیمی درجه و سامانی، ۱۳۷۶). متأسفانه کمبود آگاهی‌های عمومی و وجود نگرش منفی نسبت به معلولیت و ناتوانی، از عمده‌ترین مشکلات برای دستیابی به حقوق انسانی افراد دارای ناتوانی در همه جوامع قلمداد می‌شود (کمالی، ۱۳۷۹).

از سوی دیگر انتخاب برنامه‌های مناسب برای ارایه خدمات اجتماعی - حقوقی در آموزش به کودکان استثنایی، به نوع نگرش موجود در جامعه نسبت به این افراد و مشکلات آنها وابسته می‌باشد (سامانی و البرزی، ۱۳۸۰). به همین دلیل تحول نگرش<sup>۲</sup> جامعه و مردم و مسوولان نسبت به دانش‌آموزان استثنایی از اهمیت و ضرورت بسزایی برخوردار است.

در مقاله حاضر، ضمن بررسی نحوه نگرش جامعه نسبت به افراد استثنایی و تلاش‌های صورت گرفته برای حمایت از دانش‌آموزان استثنایی و حقوق به رسمیت شناخته شده آنان، به بازتاب نگرش جامعه نسبت به کودکان استثنایی در دستیابی این کودکان به حقوق انسانی خویش پرداخته می‌شود و در آخر نیز راهکارهایی برای تغییر نگرش جامعه، مردم و مسوولان نسبت به دانش‌آموزان استثنایی ارایه می‌شود.

## نگرش جامعه نسبت به افراد استثنایی

نگرش پدیده‌ای پیچیده و چند بعدی است. جردن و پراکتور<sup>۳</sup> (۱۹۶۹) معتقدند که نگرش، واکنش‌های سازمان یافته یک فرد نسبت به یک شیئی، شخص، موضوع یا فکر است که حاصل دانش و یا تجربه پیشین او می‌باشد. به اعتقاد آلپورت<sup>۴</sup> (۱۹۳۵) نگرش یک حالت روانی و آمادگی عصبی است که از طریق تجربه سازمان یافته، بر پاسخ‌های فرد در برابر کلیه اشیاء و موقعیت‌هایی که به آن مربوط می‌شود، تأثیر هدایتی دارد (به نقل از به پژوه و فتحی، ۱۳۸۰).

در طول تاریخ، طرز برخوردها و نگرش‌ها نسبت به افراد استثنایی دستخوش تحولات چشمگیری شده است. در قرون وسطی تماشای

معلولان بین مردم رایج است. در دوره رنسانس هم افراد معلول جزء دارایی طبقه اشراف اروپایی شمرده می‌شدند. چنین نحوه نگرشی با شرایط تاریخی - اجتماعی جوامع بشری ارتباط مستقیم دارد.

از دوره رنسانس به بعد تغییرهای بنیادی در ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه اروپا پدید آمد و تأثیر خود را بر فرهنگ و هنر ادبیات به جای گذاشت و باعث نوآوری و نواندیشی و تحول نگرش در ابعاد مختلف زندگی مردم اروپا شد (کاوایان پور، ۱۳۷۹).

در واقع نحوه نگرش نسبت به افراد استثنایی را می‌توان در قالب سه دوره تاریخی قبل از میلاد مسیح (ع)، ظهور مسیحیت و دوره اخیر خلاصه کرد: به گونه‌ای که در دوره قبل از میلاد مسیح (ع) کودکان معلول کاملاً مطرود بوده و با آنها به شیوه غیر انسانی رفتار می‌شده است. در دوره دوم یا زمان مسیحیت، کودکان استثنایی مورد حمایت و مهر و محبت قرار می‌گرفتند. سرانجام دوره سوم یا دوره اخیر که، تلاش‌های زیادی برای شناخت کودکان استثنایی و تحقق و تنظیم برنامه‌های آموزشی و پرورشی ویژه آنان اختصاص یافته است (رفاهی، ۱۳۸۰).

امروزه اکثر جوامع غربی به این باور رسیده‌اند که معلول، انسانی برابر با همه انسانهاست که باید از برابری فرصت‌ها بهره‌جوید. معلولان در سراسر جهان مثل همه افراد جامعه جایگاه خود را دارند. بی‌آنکه به آنان با دیده ترحم و تحقیر یا تمسخر نگریسته شود.

قرن بیستم با برخورداری و تأثیر پذیری از نوآوری‌ها و پیشرفت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه پیشین خود آماده تحولی عظیم شد و به علت فراهم شدن شرایط مناسب در وضع معلولان نیز تحولی چشمگیر پدید آمد.

جامعه ما نیز از این تحولات به دور نبوده است. هرچند که هنوز در میانه راه به سر می‌برد. توجه به افراد استثنایی و شیوه‌های پیشگیری از معلولیت، ارتقاء سطح کمی و کیفی آموزش افراد استثنایی و طرح حرکت به سوی عادی سازی<sup>۵</sup> و آموزش فراگیر<sup>۶</sup>، در نظام آموزش و پرورش کشور ما جلوه‌هایی از توجه روز افزون و بروز دیدگاه‌های جدید نسبت به این افراد می‌باشد.

متأسفانه هنوز نگرش‌های منفی در جامعه، مردم و حتی مسوولان نسبت به افراد استثنایی وجود دارد. به عنوان مثال نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج با افراد استثنایی منفی است (صوفی پور، ۱۳۸۰) و یا





حتی نگرش مثبتی نسبت به عادی سازی آموزش ندارند. به گونه‌ای که کماکان زمینه اجتماعی مناسبی برای اجرای برنامه‌های عادی سازی در آموزش کودکان کم توان ذهنی ایجاد نشده است (سامانی و البرزی، ۱۳۸۰). نگرش‌های منفی جامعه نسبت به کودکان استثنایی، موانعی بر سرراه پذیرش و احقاق حقوق آنان ایجاد نموده است. از طرف دیگر بر اثر وجود این نگرش‌ها در جامعه، والدین کودکان استثنایی نیز دچار احساسات و واکنش‌های منفی بسیاری از جمله شرمساری، واکنش‌های روان‌تنی و مشکلات خانوادگی می‌شوند (البرزی و بشاش، ۱۳۷۵). عدم دریافت حمایت خانواده‌های افراد استثنایی از سوی مردم منجر به بروز مشکلاتی در سازگاری خانواده کودک استثنایی می‌شود. به طور کلی داشتن کودک معلول بر بهداشت روانی خانواده اثر گذاشته و علاوه بر ایجاد نگرانی و مشکلات روانی، در پاره‌ای از موارد باعث بروز مشکلات خانوادگی نیز می‌شود. به ویژه زمانی که خانواده از نظر تعلیم و تربیت و شرایط اقتصادی در سطح پایین تری قرار دارد و از نظام‌های حمایتی برخوردار نباشد. در سازگار نمودن خود با شرایط فرزند، دستخوش تجربه‌های تلخی می‌شود (رزنبرگ و رابینسون<sup>۲</sup>، ۱۹۸۴. هالیدی و هاترلیک<sup>۳</sup>، ۱۹۹۰).

به طور کلی در شکل‌گیری نگرش نسبت به افراد استثنایی عوامل متعددی ممکن است دخالت داشته باشند. این عوامل را می‌توان در فرهنگ افراد، باورهای مذهبی، زمینه تاریخی و خانوادگی آنها، میزان وقوع، نوع تماس و تعامل اجتماعی، همچنین میزان آگاهی و اطلاعات در باره موضوع مورد نظر و جست‌وجو کرد (جردن و پراکتور، ۱۹۶۹، به نقل از به پژوه و فتیحی، ۱۳۸۰).

### برابری فرصت‌ها و حقوق دانش‌آموزان استثنایی

افراد استثنایی از یک‌سری حقوق پذیرفته شده جهانی برخوردار هستند. اولین تلاش جدی برای حمایت و آموزش و پرورش معلولان از اوایل قرن نوزدهم میلادی آغاز شده است. این تلاش‌ها در اوایل قرن بیستم گسترش یافت و در اواسط آن، موضوع حقوق این افراد مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفت و تاکنون گام‌های متعددی در احقاق حقوق افراد استثنایی در برداشته شده است که البته هنوز راهی طولانی در پیش است. در طول این مدت در حمایت از معلولان به ویژه

کودکان استثنایی در سطح جهانی تلاش‌های هماهنگی صورت گرفته و وظیفه دولت‌ها و ملت‌ها در برابر آنان روشن شده است. توسعه دو حرکت "آموزش برای نیازهای ویژه" و "آموزش برای همه". تا پایان دهه ۱۹۸۰ بیشتر به صورت موازی در جریان بوده و منبج تحولات مهمی در تغییر نگرش جوامع و دولت‌ها در برابر کودکان و حقوق آنان بوده است (صدرالسادات، ۱۳۷۹).

همزمان با ورود به دهه آخر قرن بیستم، این اتفاق نظر وجود دارد که برنامه عادی سازی و آموزش مطلوب و پرفایده است و از زمان تصویب قانون همگانی (۴۲-۹۲) در آمریکا، شرایط دانش‌آموزان استثنایی بهتر شده است و این امید وجود دارد که در آینده بهبود بهتری داشته باشد (رفاهی، ۱۳۷۹).

حرکت حقوق بشر توجه سیاست‌گذاران را از فراهم آوردن سرویس‌های خیریه‌ای به حمایت حقوقی اساسی آن‌ها و به سوی شأن و منزلت و احترام به خود تغییر داده است. در نظریه‌های جدید، معلولان کسانی هستند که از توانایی‌ها و استعدادهایی برخوردارند که می‌توانند از آنها به خوبی استفاده کنند. در اعلامیه جهانی حقوق کودک (۱۹۵۹) که در بیستم نوامبر ۱۹۵۹ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد، تأکید شده است که افراد دارای کم توانی ذهنی، دارای حقوقی مشابه با سایر افراد می‌باشند و حق دسترسی این گونه افراد به خدمات پزشکی خاص و توان بخشی و آموزش و پرورش ویژه مقرر گردیده است تا بتوانند توانایی‌ها و استعدادهای خود را توسعه دهند.

بر اساس ماده ۲۳ پیمان نامه حقوقی کودک، کودکان معلول از حقوق ویژه‌ای برخوردارند و باید توجه و مراقبت‌های خاصی برای آنها در نظر گرفته شود. دولت‌ها باید بکوشند که این کودکان و والدین آنها تا حد امکان از کمک‌های مورد نیاز خود بهره‌مند شوند. این کمک‌ها شامل مراقبت‌های پزشکی، خدمات توان بخشی، آموزش‌های خاص، کارآموزی‌های ویژه و فراهم ساختن امکاناتی برای فعالیت‌های ورزشی، فرهنگی و تفریحی است (پیمان نامه حقوق کودک، ۱۹۸۹).

از میان حقوق ویژه معلولان، ده دسته از آنها اهمیت خاص و حیاتی دارند. دسته اول حقوق مربوط به توان بخشی و مراقبت‌های جسمی و بهداشتی و دسته دوم مربوط به آموزش و پرورش ویژه

## امروزه اکثر جوامع غربی به این باور رسیده‌اند که معلول، انسانی برابر با همه انسانهاست که باید از برابری فرصت‌ها بهره‌جوید معلولان در سراسر جهان مثل همه افراد جامعه جایگاه خود را دارند

است. بنابراین مانند تمام کودکان عادی. حق آموزش و تحصیل از حقوقی است که باید برای کودکان استثنایی در نظر گرفته شود و آموزش براساس نیازها و با در نظر گرفتن توانایی‌های فرد صورت گیرد. برخی از حقوقی که در زمینه آموزش و پرورش افراد استثنایی به رسمیت شناخته شده عبارت‌اند از: آموزش برای مراقبت از خود از جمله آموزش نحوه حرکت. ارتباطات. مهارت‌های ضروری برای زندگی روزمره با توجه به نیاز آنها. بهره‌مندی از خدمات آموزشی ویژه و وسایل کمک آموزشی متناسب با وضعیت آنها. بهره‌مندی از امکان آموزش و ادامه تحصیل در تمام مقاطع آموزشی. امکان آموزش در مدارس عمومی. برخورداری از کادر آموزشی متخصص و امکان برخورداری از آموزش‌های فنی و کسب مهارت‌های شغلی (رضایی و پیروی، ۱۳۷۹)

از جمله خدمات آموزش و پرورش استثنایی در سایر کشورها می‌توان به برنامه‌های مداخله اولیه برای کودکان قبل از ورود به مدرسه (شامل آموزش خانواده و برنامه‌های درمانی)، ارزیابی موردی، تشکیل تیم و تنظیم برنامه تحصیلی فردی متناسب با نیازهای آموزشی کودک و سرانجام جایگزینی مناسب کودکان استثنایی در مدارس یا محیطی با کمترین محدودیت اشاره نمود (اسلاوین<sup>۱</sup>، ۱۹۸۶، ولفالک<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳). افزون بر این، در این راستا یکپارچه سازی<sup>۳</sup> و آموزش فراگیر در نظام‌های آموزش و پرورش نیز مطرح می‌باشد.

### حقوق افراد استثنایی در ایران

کشور ما در ۱۵ ژوئیه سال ۱۹۹۴ با شرط عدم اجرای موادی که مخالف صریح قوانین داخلی و شرع اسلام باشد، به کنوانسیون حقوق کودک پیوست و در ۱۲ آگوست ۱۹۹۴ در ایران لازم‌الاجرا شده است.

با تصویب این معاهده مسوولیت دولت در ارتباط با حقوق کودک در جهان مورد توجه قرار می‌گیرد و چون ماده ۲۳ کنوانسیون به کودکانی که از لحاظ جسمی و ذهنی دارای معلولیت می‌باشند پرداخته است، حمایت از این کودکان در زمینه‌های مختلف مورد توجه مسوولان کشور قرار گرفته است. در ایران سازمان بهزیستی مسوول ارائه خدمات خاص بهزیستی و توان‌بخشی به کودکان می‌باشد و در این زمینه باید حداکثر تلاش را برای ارائه و گسترش و افزایش خدمات و تجهیزات به عمل آورد و به‌طور کلی در قوانین مربوط به سازمان بهزیستی کشور، وظیفه حمایت از کودکان استثنایی به این سازمان محول شده است.

در طول دهه‌های اخیر، کشور ما توجه چشمگیری به پدیده معلولیت و راههای پیشگیری از آن داشته است. ایجاد انجمن‌های غیردولتی برای حمایت و یاری رساندن به معلولان و تأسیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی در این راستا، نمونه‌های بسیار مهمی هستند که می‌توانند نقش ارزنده‌ای در تحول نگرش جامعه نسبت به معلولان داشته باشند.

در حال حاضر روند آموزش و پرورش استثنایی در ایران به گونه‌ای است که آموزش رسمی از ۶ سالگی شروع شده و ارزیابی کودکان استثنایی به عهده مراکز سنجش سازمان استثنایی گذاشته شده و آموزش در مدارس استثنایی این سازمان صورت می‌گیرد. همچنین در کشور ما در زمینه آموزش و پرورش کودکان استثنایی به منظور برابرسازی فرصت‌ها، حرکت‌های قانونی به منظور آموزش فراگیر نیز آغاز شده است که نیازمند برنامه‌ریزی و توجه بیشتری می‌باشد. آموزش فراگیر از این باور حمایت می‌کند که آموزش و پرورش ویژه نمی‌تواند در انزوا رشد کند و باید به‌عنوان بخشی از راهبردهای آموزش و پرورش و بخشی از سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و... باشد. از طریق آموزش و پرورش فراگیر بایستی این امکان به وجود آید که همه انسان‌ها - شامل افراد با ناتوانی‌ها - قادر شوند که استعدادهای بالقوه خود را رشد دهند. در جامعه مشارکت فعال داشته باشند و بالاتر از همه از طریق تفاوت‌هایشان بازور شوند (صدرالسادات، ۱۳۷۹).

با توجه به اینکه درصد زیادی از کودکان معلول در کشور ما از آموزش محروم می‌باشند، بازنگری جدی در سیاست‌ها و



رویکردهای موجود امری ضروری به نظر می‌رسد. ابتدا باید بستر مناسبی برای اجرای آموزش فراگیر ایجاد نمود. سپس موانع و محدودیت‌های اجرای قوانین مربوط به افراد استثنایی را تا سرحد امکان از میان برداشت. برخی از موانع در کشور عبارت‌اند از کمبود امکانات مادی برای حمایت از کودکان استثنایی و آموزش و پرورش آنان. نگرش منفی نسبت به افراد استثنایی، کمبود مراکز کارآمد برای حل مشکلات آنان و ارتباط اندک سازمان‌های مسوول با نهادهای بین‌المللی به‌ویژه یونسف، شایان ذکر است که هر چند حقوق مطرح شده افراد استثنایی در اسناد بین‌المللی مفید فایده است. اما تنها کالبد بی‌جانی است که باید از سوی انسان‌های متعهد، روح زندگانی در آن دمیده شده و در عمل به اجرا در آید.

### بازتاب نحوه نگرش جامعه نسبت به کودکان استثنایی در دستیابی آنها به حقوق انسانی خویش

یکی از عوامل مؤثر در تحقق حقوق افراد استثنایی، نگرش مردم و جامعه نسبت به این افراد است. بدیهی است که هرچه جامعه نگرش و شناخت بهتری از افراد استثنایی داشته باشد، در نيل به حقوق مذکور تلاش بیشتری خواهد نمود. در این راستا آشنا نمودن جامعه و مردم با حقوق افراد استثنایی می‌تواند به تلاش برای احقاق حقوق آنان کمک شایان توجهی کند. بدیهی است که آشنایی با پیمان جهانی حقوق کودک



همبستگی و تلاش ملی را برای رعایت و حمایت از حقوق کودکان تقویت می‌نماید. بنابراین آشنایی با این پیمان نامه برای تمام کسانی که با کودک سروکار دارند، امری ضروری است. این ضرورت برای والدین و مربیان و معلمان و خود کودکان از اهمیت بیشتری برخوردار است. بنابراین دولت موظف است حقوق کودکان استثنایی را به مردم معرفی

نماید. به‌طور کلی والدین و مربیان، زنان و مردان به‌عنوان افراد جامعه باید حقوق کودکان استثنایی را به رسمیت شناخته و برای رعایت این حقوق از طریق قوانین اهتمام ورزند. بدیهی است که این امر خود در گرو شناخت دقیق کودکان استثنایی و آگاهی از حقوق این دسته از کودکان می‌باشد. به‌عنوان مثال نتایج برخی از پژوهش‌ها (سامانی و البرزی، ۱۳۸۰) نشان می‌دهند میان سطح اطلاعات دانشجویان از موضوع کم توانی ذهنی و نگرش آنان در باب مسائل حقوقی و آموزشی افراد کم توان ذهنی، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و به‌طور کلی نگرش دانشجویان در باره موضوع کم توانی ذهنی وابسته به میزان اطلاعات آنها در این زمینه می‌باشد. از طرف دیگر داشتن تجربه تماس و تعامل اجتماعی با دانش آموزان استثنایی و اطلاعات و آگاهی در باره افراد با نیازهای ویژه می‌تواند بر نگرش افراد عادی نسبت به دانش آموزان استثنایی تأثیر مثبت برجای گذارد (به پژوه و فتحی، ۱۳۸۰، توفیقی - هوشیار و زینگل<sup>۱۳</sup>، ۱۹۸۴، ولتر، ۱۹۸۰، و ۱۹۸۲، اشنانین بک، ۱۹۸۲). در این صورت امکان رعایت حقوق افراد استثنایی افزایش می‌یابد. نهضت عادی‌سازی و آموزش فراگیر می‌تواند خود گام مؤثری در راستای تغییر نگرش افراد نسبت به کودکان استثنایی باشد. عادی‌سازی عبارت است از فراهم کردن مستمر امکانات آموزشی، پرورشی، اجتماعی و رفاهی در شرایط معمولی برای کلیه افراد اعم از عادی یا معلول برای رسیدن به رشد همه‌جانبه تا حد اکثر توان ظرفیت (به پژوه، ۱۳۷۱).

همان‌طور که بیان گردید، عامل مهمی که بر نگرش جامعه نسبت به افراد استثنایی و در نتیجه اهتمام به رعایت حقوق آنان می‌تواند مؤثر باشد، میزان اطلاعات و آگاهی مردم نسبت به این افراد است. روان‌شناسان اجتماعی (بارون و بایرن<sup>۱۴</sup>، ۱۹۷۸، مالیم<sup>۱۵</sup>، ۱۹۹۷) بر این باورند که میزان کمی و کیفی اطلاعات فرد درباره موضوع یا شخص مورد نظر می‌تواند بر شکل‌گیری و تکوین نگرش مؤثر باشد. اگر فردی نسبت به موضوعی اطلاعاتی نداشته باشد، طبعاً نگرشی هم‌نسبت به آن ندارد از این رو، نگرش نسبت به افراد استثنایی یک پدیده چند بعدی است و فقط به تماس اجتماعی محدود نمی‌شود. کستر و ریوسی (۱۹۷۹) گزارش می‌کنند که افزون بر تماس اجتماعی با افراد کم توان ذهنی، داشتن اطلاعات و آگاهی درباره آنها نیز می‌تواند در نوع نگرش نسبت به افراد معلول مؤثر باشد. بنابراین بالا بردن اطلاعات مردم نسبت به افراد استثنایی و حقوق



آنان خود عاملی است که می‌تواند به بهبود نگرش آنها نسبت به افراد استثنایی و در تلاش برای رعایت حقوق آنان کمک نماید. نکته دیگری که در اجرای حقوق افراد استثنایی مؤثر است. ضمانت اجرایی آنها می‌باشد. بدیهی است که طرح قوانین به خودی خود به حقوق افراد استثنایی کمک نمی‌کند. بلکه اجرای قوانین از سوی محاکم قضایی اهمیت بسزایی دارد همچنین در پاره‌ای از موارد اصلاح و تکمیل قوانین موجود در خصوص افراد استثنایی ضروری به نظر می‌رسد. قوانین موجود در این زمینه در کشور ما بیشتر بر به عهده سازمان بهزیستی گذاشته شده است (عبادی، ۱۳۷۱). در حالی که به نظر می‌رسد اگر قوانین به عهده نهادهای دیگری در جامعه نیز گذاشته شوند. نتایج بهتری بار می‌آورد و مسوولیت‌های موجود در این زمینه بین نهادهای مختلف تقسیم می‌شود چرا که تحقق حقوق کودکان استثنایی در هر کشور مستلزم تلاش همگانی و همیاری است و بر این باور اساسی استوار است که کودکان استثنایی نیز حقوقی دارند که خود قادر به دستیابی آنها نیستند و حمایت‌ها و نیازهای بیشتری نسبت به سایر کودکان برخوردارند. این مؤسسه‌ها، دولت و بزرگان هستند که باید با تلاشی پیگیر و مستمر و احساس تعهد خویش در تحقق آن بکوشند. بدیهی است که درک واقع بینانه این مسأله نیازمند انجام اقدام‌هایی برای تغییر نگرش مردم نسبت به کودکان استثنایی است. در این زمینه همکاری دولت، رسانه‌های گروهی، مدارس، مؤسسه‌ها و نهادهای دولتی مانند سازمان بهزیستی، سازمان آموزش و پرورش استثنایی نقش بسیار مؤثری ایفا می‌کند. بنابراین بکارگیری شیوه‌های تغییر نگرش مردم نسبت به کودکان استثنایی با همکاری مؤسسه‌های مختلف اجتماعی راهکار مؤثری برای توجه به حقوق این دسته از کودکان است.

## راهکارهایی برای تحول نگرش جامعه نسبت به کودکان استثنایی

از آنجا که تغییر نگرش جامعه نسبت به کودکان استثنایی عامل مؤثری در پذیرش و تحقق حقوق آنان محسوب می‌شود. مطلوب است که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان جامعه ضمن معرفی حقوق کودکان استثنایی به جامعه، شیوه‌های زیر را به منظور تغییر نگرش به کار ببرند:

- ۱- بالا بردن میزان اطلاعات مردم در مورد کودکان استثنایی از طریق رسانه‌های گروهی و تلاش در راستای درک واقع بینانه از نقاط

قوت و ضعف کودکان استثنایی در مردم.

۲- فراهم نمودن شرایطی برای تماس مردم با افراد استثنایی به منظور شناخت بیشتر آنها؛ این تماس می‌تواند از طریق برنامه‌های آموزش فراگیر صورت پذیرد.

۳- معرفی توانمندی‌های کودکان استثنایی به جامعه از طریق تشکیل نمایشگاه‌های آثار هنری این کودکان.

۴- برگزاری همایش‌هایی در زمینه شناخت کودکان استثنایی با حضور خانواده‌های کودکان عادی و استثنایی.

۵- ایجاد بستر مناسب برای اجرای آموزش فراگیر از طریق آموزش به دانش آموزان عادی و برنامه‌های آموزش خانواده به والدین آنها در زمینه معرفی و شناخت کودکان و نحوه سازگاری با آنان

۶- مشارکت دادن کلیه افراد جامعه، مؤسسه‌های دولتی و غیردولتی در حمایت از دانش آموزان استثنایی.

۷- تشکیل انجمن‌های ویژه حمایت از دانش آموزان استثنایی در سراسر استان‌های کشور.

۸- آشنا نمودن مردم با مفاد پیمان نامه حقوق کودکان از طریق کارگاه‌های آموزشی و کلاس‌های آموزش خانواده.

۹- معرفی افراد استثنایی موفق به جامعه.

۱۰- برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه مسوولان و معلمان آموزش و پرورش برای شناخت بیشتر کودکان استثنایی.

۱۱- برابری فرصت‌ها برای کودکان (اعم از عادی و استثنایی) از طریق برنامه‌های آموزش فراگیر.

در مجموع می‌توان گفت که مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسائل مربوط به روان‌شناسی افراد استثنایی، شکل‌گیری نگرش‌ها و تغییر نگرش‌های منفی عموم نسبت به این گروه است. با توجه به اینکه حدود ۱۲ درصد کودکان سنین مدرسه‌ای را افرادی با نیازهای ویژه تشکیل می‌دهند. توجه به نیازهای خاص آنان اهمیت بسزایی دارد. کمبود آگاهی‌های عمومی و وجود نگرش منفی نسبت به معلولیت و ناتوانی هنوز از عمده‌ترین موانع دستیابی به حقوق انسانی افراد دارای ناتوانی می‌باشد. بنابراین با تغییر نگرش نسبت به دانش آموزان استثنایی می‌توان به تحقق حقوق این افراد کمک شایان توجهی نمود و در این زمینه لازم است که از سوی مسوولان و سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان برنامه‌هایی برای تغییر نگرش نسبت به افراد استثنایی ترتیب داده شود.





سازمان آموزش و پرورش استثنایی. سازمان بهزیستی. رسانه‌های همگانی و وسایل ارتباط جمعی و آموزش همگانی و آموزش و پرورش عادی در این راستا می‌توانند نقش ارزنده‌ای ایفا کنند.

از سوی دیگر، آگاهی مردم از ویژگی‌ها، نیازهای افراد استثنایی و حقوق آنان سهم قابل ملاحظه‌ای در تحقق حقوق آنان دارد همان‌گونه که پژوهش‌ها نیز نشان داده‌اند. نگرش جامعه نسبت به افراد استثنایی، تا حد زیادی وابسته به اطلاعات آنان است. بنابراین بالا بردن اطلاعات مردم در این زمینه گام مؤثرتری برای تسهیل رعایت حقوق این افراد می‌باشد (سامانی و البرزی، ۱۳۸۰). همچنین بر اساس نتایج پژوهش‌ها تماس اجتماعی با افراد استثنایی می‌تواند بر نگرش افراد در جامعه نسبت به این افراد تأثیر مثبت

بگذارند (حیدری ۱۳۷۳). شایان ذکر است تأثیر تماس اجتماعی با افراد استثنایی در تجربه‌های مربوط به یکپارچگی آموزشی نشان داده است که یکپارچگی بر تغییر نگرش دانش آموزان عادی نسبت به دانش آموزان معلول اثر مثبت داشته است (فلاح‌حی، ۱۳۷۷-۷۸). افزون بر این بین موفقیت برنامه‌های یکپارچه‌سازی و نگرش‌های مثبت نسبت به افراد معلول رابطه‌ای متقابل وجود دارد چرا که موفقیت در خدمت به افراد معلول، به‌ویژه اجرای برنامه‌هایی چون مؤسسه‌زدایی و یکپارچگی اجتماعی، به نگرش مثبت اتحاد جامعه بستگی دارد (جونز، ۱۹۸۴). بنابراین، زمینه‌سازی برای اجرای برنامه یکپارچگی آموزشی و ایجاد بستر مناسب برای آموزش فراگیر، مستلزم تغییر نگرش‌های منفی نسبت به افراد استثنایی است.

زیر نویس:

- 1- Unicef
- 2- attitude change
- 3- Jordan and proctor
- 4- Allport
- 5- normalization
- 6- inclusive education
- 7- Rosenberg and Robinson
- 8- Haldy and Hanzlik
- 9- Slavin
- 10- woolfolk
- 11- integration
- 12- towfighy, Hooshyar and zingle
- 13- Baron and Byrne
- 14- Malim

منابع:

درجه، علی اکبر و سامانی، سیامک، نیازهای دانش آموزان استثنایی و خانوارهای آنها، مجله پیوند، شماره ۲۸، سال ۱۳۷۶، صص ۲۷-۲۲.

البرزی، شهلا، بشاش، نغیا، تأثیر کودک عقب مانده ذهنی بر خانواده، پژوهش‌های روان‌شناختی، شماره ۷، دوره ۴، شماره ۱ و ۲، صص ۱۴-۳.

به پژوه، احمد، نهضت عادی سازی، کودکان استثنایی، نشر به انجمن علمی کودکان استثنایی ایران، شماره ۲، ۱۳۷۱.

به پژوه، احمد، فتحی، شهر، تأثیر برنامه‌های آگاه‌سازی و تماس اجتماعی بر نگرش دانش آموزان دبیرستانی نسبت به دانش آموزان عقب مانده ذهنی و یکپارچگی آموزشی آنها، خلاصه مقالات نخستین همایش یافته‌های نوین پژوهشی در آموزش و پرورش استثنایی، ۱۳۸۰، صص ۴۰.

حیدری، علی اکبر، بررسی و مقایسه تأثیر تماس اجتماعی بر نگرش مدیران مدارس عادی و استثنایی نسبت به دانش آموزان عقب مانده ذهنی آموزش پذیر و یکپارچگی آموزشی آنها در استان مازندران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی تهران.

دانشکده علوم بهزیستی و توان‌بخشی، (مقدمه) خلاصه سخنران‌ها و مقالات همایش حقوق کودکان استثنایی در ایران، ۱۳۷۹.

رضایی، محمد تقی، پیروی، پرینا، بررسی حقوق کودکان استثنایی در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی و عملکرد آن در ایران، خلاصه مقالات همایش حقوق کودکان استثنایی در ایران، ۱۳۷۹، صص ۵۱.

رفاهی، ژاله، ضرورت توجه به آموزش فراگیر برای افراد استثنایی به‌عنوان ماحصل سفارشات اسلام در تحقق حق برخورداری از آموزش و پرورش، خلاصه مقالات همایش حقوق کودکان استثنایی در ایران، دانشکده علوم بهزیستی و توان‌بخشی، ۱۳۷۹، صص ۵۵-۲۵.

سامانی، سیامک و البرزی، شهلا، بررسی اطلاعات و نوع نگرش دانشجویان در باره مسایل اجتماعی، حقوقی و آموزشی افراد عقب مانده ذهنی، خلاصه مقالات نخستین همایش یافته‌های نوین در آموزش و پرورش استثنایی، اداره استثنایی فارس و دانشگاه شیراز، ۱۳۸۰، صص ۲۷.

صدراسادات، جلال، کودک معلول و ضرورت تحول نگرش در جامعه، خلاصه مقالات همایش حقوق کودکان استثنایی در ایران، دانشکده علوم بهزیستی و توان‌بخشی، ۱۳۷۹، صص ۲۹.

صوفی پور، یگانه، بررسی عوامل مؤثر بر نگرش دانشجویان نسبت به از ادواج با افراد استثنایی (معلول)، خلاصه مقالات نخستین همایش یافته‌های نوین پژوهش در آموزش عادی، شیرین، نگاهی به مسائل حقوقی کودکان در ایران، انتشارات روشنگران، چاپ سوم، ۱۳۷۱.

فلاح‌حی، مهدی، بررسی تأثیرات یکپارچه سازی آموزشی بر آگاهی و نگرش دانش آموزان عادی دبیرستان‌های شهرستان یرد، پایان کارشناسی ارشد، ۱۳۷۷.

کاپویان پور، طلعت، کودک معلول و ضرورت تحول نگرش در جامعه، خلاصه مقالات همایش حقوق کودکان استثنایی در ایران، دانشکده علوم بهزیستی و توان‌بخشی، ۱۳۷۹، صص ۱۲.

کمانی، محمد، نگاهی به حقوق افراد دارای معلولیت، خلاصه سخنرانی‌ها و مقالات همایش حقوق کودکان استثنایی در ایران، دانشکده علوم بهزیستی و توان‌بخشی، ۱۳۷۹، صص ۱۲.

Baron, R.A, and Byrne, D. (1987). *Social Psychology: Understanding Human Interaction (5th E.)* Boston: Allyn and Bacon, Inc.

Haldy, M. B. and Hanzlik, J.R.(1990). *A comparison of perceived competence in child-rearing between mothers and children with Down Syndrome and mothers of children without delays. Education and Training in Mental Retardation*, 25 (2), 132-141.

Jones, R.L (1984). *Attitude and Attitude Change In Special Education: Theory and practice*. Resbon, VA: Council of exceptional children.

Kastner, L.s. and Reppucci, N. D. (1979). *Assessing Community attitudes toward mentally retarded persons. American Journal of Mental Deficiency*, 84.2, 137-144.

Rosenberg, s, and Robinson, C. (1984). *factors Predicting parent participation in early childhood programs in Wang, M.C., Reynold, G. and Wulberg, H. j (1989) Handbook of Special Education Research And practice, Vol. 3. p. 316. New York, pergum on press.*

Slavin, (1986) *Educational Psychology*.

Stainback, S. and Stainback, W. (1982). *The need of reserch on training non-handicapped students of integrated multiply handicapped peers. American Journal of Mental Deficiency*, 88, 630- 637.

Towfighy - Hooshyar, N. and Zingles, H. W. (1984). *Regular - class students attitudes toward intergrated multiply handicapped peers*, *American Journal of Mental Deficiency*, 88, 630-637.

Voelts, L.M (1982), *Effects of structured interactions with severely handicapped peers on children attitudes. American Journal of Mental Deficiency*, 86, 380-390.

Woolfolk. Anita.E. (1993). *Educational psychology. (Fifth,Ed)*, Allyn and Bacon, p. 143.